

جستاری تاریخی درباره ریشه‌های پیدایش بداء

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۸

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۲/۲۶

محمد جواد پردل *

چکیده

به کارگیری آموزه بداء در حوزه‌های مختلف بدون پرداختن به تاریخچه و منشا پیدایش (دینی و یا غیر دینی)، کاربستی غیر منطقی است. این مقاله با توجه به سه دیدگاه در ابداع آموزه بداء (۱. توسط فرقه کیسانیه ۲. توسط فرقه امامیه ۳. بداء به عنوان یک سنت الهی در طول تاریخ) که کتاب‌های ملل و النحل به آن پرداخته‌اند، دلایل هریک را بیان کرده و سپس ادله دیدگاه اول را (به دلیل فقدان تعریف بداء نزد کیسانیه، فقدان سند گزارش) و دیدگاه دوم را (به خاطر فهم نادرست معنای مصطلح بداء نزد امامیه، عدم توجه به قرائن علم امام) مورد نقد قرار می‌دهد. عدم توجه به کاربست بداء در گزارش‌های تاریخی قبل از کیسانیه و امامیه، به عنوان اشکال مشترک هردو دیدگاه مطرح می‌گردد و درنهایت آموزه بداء را به عنوان یک سنت جاری الهی در تاریخ بشریت با استفاده از آیات قرآن کریم، مورد پذیرش قرار داده و در توجه به دیدگاه اندیشمندان امامیه، شواهد تاریخی - کلامی منابع فریقین را در خصوص آن گزارش می‌کند.

واژه‌های کلیدی: بداء، کیسانیه، مختار، امامیه، اسماعیلیه.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم (ع).
mohammadjavadpordel@gmail.com

مقدمه

انبیاء الهی و ائمه اطهار علیهم السلام از تحقق مواردی در آینده خبر داده‌اند اما گزارش‌های تاریخی، دربردارنده تخلف آن موارد بوده‌اند لذا این پرسش را در ذهن ایجاد می‌کند که این تغییرات و تحولات رخ داده چه عامل و یا عواملی می‌تواند داشته باشد؟ این تغییرات در علم خداوند نیز وجود داشته است یا تصمیم‌گیری این امور مسبوق به جهل بوده است؟ این پرسش‌ها با تبیین آموزه (بدا) توسط متکلمان شیعه، پاسخ داده شده است.

بدا در لغت به معنای (ظهور) (راغب اصفهانی، ۱: ۱۱۳، ۱۴۱۲) و نزد شیعه به همان معنای آیه «وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ» (سوره زمر ۳۹/۴۷) می‌باشد، (صدوق، ۳۳۵: ۱۳۹۸) ولی کاربرت آن مورد مناقشات کلامی قرار گرفته است. از مقدمات این آموزه، واکاوی ریشه پیدایش این بحث است که مورد توجه پژوهشگر تاریخی قرار می‌گیرد.

بررسی تاریخی پیدایش اندیشه بدا پاسخ به این پرسش است: آیا پیدایش اندیشه، منشأ سیاسی از سوی حاکمان وقت داشته است (غیردینی) یا آنکه به‌عنوان یک سنت الهی (دینی) در بین جوامع بشری در حال جریان بوده است؟ در صورت اثبات منشأ غیردینی این اصطلاح، دیگر این تفکر جایگاهی در پاسخ‌های متکلمان دین نمی‌تواند داشته باشد؛ چراکه همان کارکرد جبرگرایی را در پوستینی جدید، ترویج می‌کند. در صورت طرح و ایجاد این اندیشه توسط رهبران دینی، فضای متفاوت و جدیدی مقابل پژوهشگران فراهم می‌آید تا به بررسی تعریف، اهمیت، دلالت‌ها، بایسته‌ها و کارکردهای (کلامی، روانشناسی، تاریخی، اقتصادی و...) این اندیشه از میان متون دینی و سخنان رهبران دین پردازند.

در تاریخ پیدایش این اصطلاح، نظرات گوناگونی در بین اندیشمندان فرق و مذاهب درگذشته و حال وجود دارد که در سه گروه کلی قرار می‌گیرد:

۱- گروهی بر این باورند که این اندیشه منشأ شخصی داشته و ساخته و پرداخته فرقه کیسانیه، در جهت توجیه پیش‌گویی‌های جناب مختار (کیسان بن ابوعبید مسعود ثقفی) می‌باشد و جزء معتقدات تمامی فرق کیسانیه نیز قرار گرفته است.

۲- گروهی این اندیشه را ساخته فرقه امامیه دانسته‌اند که در مسیر انتخاب امامت، در جریان امامت امام موسی کاظم علیه السلام طرح‌ریزی شد و در زمان امام حسن عسکری علیه السلام مورد استفاده مجدد قرار گرفت.

۳- گروه سوم که اکثر اندیشمندان در آن حضور دارند بر این باوراند که بداء یک سنت الهی بوده که از زمان حضرت آدم علیه السلام تا پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در اندیشه تمامی ادیان مطرح و ریشه داشته است.

این مقاله به معرفی و بیان دلایل انتساب طرح اندیشه بداء توسط کیسانیه و امامیه می‌پردازد و با بررسی این دلایل، آن را مورد نقد قرار داده و دلیل خود را در جهت موافقت با گروه سوم مطرح می‌کند و در پیشگاه قضاوت خوانندگان، قرار می‌دهد.

پژوهش‌هایی پیرامون بحث بداء در حوزه‌های مختلف پژوهشی صورت گرفته است مانند:

تعریف بداء: (بداء در کلام اسلامی و ملاحظاتی تازه در حل آن) (زریاب، ۱۳۶۶، ۴: ۱۸-۳۰).

معنای مصطلح بداء در بین متکلمان و فلاسفه: (حقیقت بداء از منظر ملاصدرا و فخر رازی) (رضی، ۱۳۹۰).

آثار و لوازم اعتقاد به بداء: (بررسی آثار و لوازم اعتقاد به آموزه بداء) (شعبانی، ۱۳۹۲).

منبع شناسی بحث بدا: (منبع شناسی بداء و موضوع‌های مرتبط با آن) (اخوان مقدم و نبوی، ۱۳۹۵-۱۷۷-۱۵۲).

- در بین این آثار، پژوهشی که به ریشه‌یابی تاریخی این تفکر پردازد، خالی می‌باشد.

دیدگاه اول: پیدایش بدا توسط کیسانیه

پیروان مختار بن ابوعبید مسعود ثقفی، کیسانیه نامیده می‌شوند (کشی، ۱۴۰۹: ۱۲۶) و دلیل این نام‌گذاری مشخص نیست.^۱ مختار در سال اول هجری (۶۲۲ م) در شهر طائف (قبیله هوازن) به دنیا آمد. (طبری، ۵، ۱۹۶۷: ۳۲۰) در مورد مذهب وی در منابع، وحدت نظری، گزارش نشده است؛^۲ ولی از گرایش‌ها و فعالیت‌های سیاسی و اخباری که از امامان شیعه می‌توان پیدا کرد (کشی، ۱۴۰۹: ۱۲۶) وی از محبان خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام بوده و گرایش شیعی داشته است.

حضور مختار در عرصه سیاسی - نظامی برای اولین بار به همراه پدر و برادران خود در نبرد «قس الناطف» مورد گزارش تاریخ‌نگاران بوده است (ابن اعثم کوفی، ۱۹۹۱، ۶: ۲۰۰) وی در زمان بعد از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عزلت روی آورد و در جنگ‌های زمان امام علی علیه‌السلام شرکت نکرد.^۳ در زمان امام حسن علیه‌السلام و ابتدای امامت امام حسین علیه‌السلام کم‌وبیش فعالیت‌های سیاسی از وی گزارش شده است. عمده تمرکز منابع در زندگی وی بعد از جریان شهادت امام حسین علیه‌السلام می‌باشد.

۱. عده‌ای مختار را کیسان دانسته‌اند، به سبب آنکه لقب مختار کیسان بود، گروهی آن را به خاطر رئیس پلیس مختار که از موالی ایرانی به نام کیسان ابو عمره بود و گروهی نیز لقب غلام امام علی علیه‌السلام دانسته‌اند (اشعری قمی، ۱۳۶۰: ۲۱-۲۲).

۲. ایشان را جزء خوارج (مقریزی ۱۴۲۰، ۱۴: ۱۵۷) زبیریان، شیعه دانسته‌اند و برخی مانند شهرستانی مراحل زندگی اعتقادی او را ابتدا خارجی و سپس زبیری و در انتها شیعه دانسته است. رک: (شهرستانی، ۱۳۶۴، ۱: ۱۷۱).

۳. آنچه مورد اتفاق است این می‌باشد که در جنگ جمل و نهروان در کنار امام علی علیه‌السلام حضور نیافت ولی سید محسن جبل عاملی (به نقل از طبرانی) در جنگ صفین او را فرمانده طایفه قیس و عبد القیس می‌داند (امین، ۱۹۸۳، ۷: ۲۳۰).

وی بعد از رهایی از زندان ابن زیاد (م ۶۶ ه ق) (طبری، ۱۹۶۷، ۵: ۵۷۱) و بازگشت به کوفه، از فضای خلأ قدرت در کوفه و نارضایتی مردم از امویان استفاده کرد و با دعوت به بزرگ علویان - محمد بن حنفیه (م ۸۱ ه ق) - که از سکوت وی، تأیید قیام خود نموده بود، ایشان را همان مهدی موعود معرفی کرد. (ابن الاثیر ۱۳۸۵، ۴: ۲۷۸ و طبری، ۱۹۶۷، ۵: ۵۶۱)

مختار با شعار خونخواهی امام حسین علیه السلام (یا لثارات الحسین) (طبری، ۱۹۶۷، ۶: ۲۰ و ابن اعثم کوفی، ۱۹۹۱، ۶: ۲۸۹) سپاه بزرگی را پدید آورد و علیه فرماندار کوفه عبدالله بن مطیع (م ۷۳) قیامی را تدارک دید و کوفه را - ربیع الاول سال ۶۶ ه ق - تحت حاکمیت خود گرفت (ابن اعثم کوفی، ۱۹۹۱، ۶: ۲۸۹). مطابق آنچه که در برخی کتب ملل و نحل گزارش شده است (شهرستانی، ۱، ۱۳۶۴: ۱۷۲ و بغدادی، ۱۹۹۲: ۴۷ و مشکور ۱۳۷۲: ۳۷۵)، مختار به خاطر سجع‌های متوازن که می‌سرود و جنگ‌آوری و رشادت‌های جنگی، ادعای مهدویت و سپس نبوت، داشتن کتاب آسمانی؛ ایجاد اصول اعتقادی و مذهبی جدید نموده است.^۲

اعتقادات و گرایش‌های فکری مختار و پیروانش عاملی شد که اولین انشعاب در مذهب شیعه امامیه بانام کیسانیه پدید آید (ایزدی، ۱۳۹۱: ۱-۲۲) که در ادوار بعدی تاریخ اسلام، فرقه‌هایی را از خود به نام‌های (کیسانیه خلص، هاشمیه، کربیه، حریبه، اشمیه، حارثیه، حریانیه، بیانیه، اسحاقیه، حیانیه، کنانیه، رزامیه) (بغدادی، ۱۹۹۲: ۴۷) متولد نمود.

۱. مرحوم مامقانی (مامقانی، ۳: ۲۰۵) و آیت‌الله خویی (خویی، ۱۴۱۳، ۱۸: ۱۰۲) با ذکر ادله‌ای تشکیل فرقه کیسانیه را بعد از مرگ مختار دانسته‌اند و تشکیل این فرقه به دست او را ساخته و پرداخته علماء اهل سنت می‌دانند.
 ۲. نکته‌ای باید قابل توجه پژوهشگران قرار گیرد؛ قدرت گرفتن سپاه مختار با پیروزی او علیه سلطنت اموی در جنگ خازر (سال ۶۶ ه ق) و اعلان دشمنی با زبیریان، سبب شد که دستگاه‌های تبلیغاتی علیه وی فعال شده و جعلیات و دروغ‌هایی به وی نسبت دهند، به همین علت وی را کذاب و ساحر می‌خواندند. جهت اطلاع بیشتر ر.ک (ابن الاثیر، ۱۳۸۵، ۴: ۲۷۸).

اعتقاد مشترک همه فرق کیسانیه عبارت است از (شهرستانی، ۱۳۶۴، ۱: ۱۷۱ و بغدادی، ۱۹۹۲: ۴۸)؛

۱- اعتقاد به امامت محمد بن حنفیه

۲- اعتقاد به آموزه بدا

اعتقاد کیسانیه سبب شد، برخی از اندیشمندان متقدم (شهرستانی، ۱۳۶۴، ۱: ۱۷۱ و بغدادی، ۱۹۹۲: ۴۸) و پژوهش گران متأخر^۱ پیدایش آموزه بدا را از این تاریخ و توسط این فرقه در پیکره اندیشه اسلامی - شیعی بدانند و گزارش هایی که بعدها از برخی ائمه شیعه در جریان انتساب های امامت و... با عنوان (بدا لله) مطرح گردید، ساخته و پرداخته این گروه باشد. (مدرسی طباطبایی، ۱۳۹۶: ۱۲۰)

تنها دلیلی که در بین منابع تاریخی و ملل می توان از کاربرست آموزه بدا توسط مختار پیدا کرد، مربوط به گزارش جنگ سپاهیان مختار به فرماندهی احمد (احمر) بن شمیط (م ۶۷ ه ق) (شهرستانی، ۱۳۶۴، ۱: ۴۹) با مصعب بن زبیر (سال ۶۷ ه ق) می باشد. مختار قبل از اعزام نیرو با ادعای دریافت وحی، به سپاهیان خود وعده پیروزی داد ولی سرانجام جنگ، مخالف این پیشگویی رقم خورد. مختار در مقابل ایراد و ملامت های سپاهیان خود، پاسخ داد: خدا وعده پیروزی به من داد ولی در کار خدا، بداء حاصل شده است «خداوند آنچه را که بخواهد محو می کند و آنچه را که بخواهد پابرجا می گذارد و نزدش ام الكتاب است» «رعد ۱۳/ ۳۹» لذا تمسک به این آیه قرآن بر زبان مختار را ظهور در ابداع اندیشه بدا توسط وی دانسته اند. (ابن اعثم کوفی، ۱۹۹۱، ۶: ۲۸۹، و ابن اثیر، ۴، ۱۳۸۵: ۲۷۱ و بغدادی، ۱۴۰۸: ۳۶)

۱. برخی برای رفع این مشکل، مفهوم بداء را که پیش ترها به وسیله کیسانیه متقدم ابداع شده بود و در صورت اولیه خود به معنی تغییر در تصمیم الهی بود، پیشنهاد کردند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۹۶: ۱۲۰).

نقد دلیل انتساب بداء به کیسانیه

عدم واکاوی تعریف بداء از جانب فرق کیسانیه و صرف استناد به یک روایت تاریخی برای این انتساب در کنار عدم بررسی سندی این گزارش، عواملی است که بدون توجه به آن‌ها نمی‌توان اندیشه بداء را به این فرقه منتسب دانست.

فقدان تعریف بداء نزد فرقه کیسانیه

در بین منابع تاریخی و ملل تنها شهرستانی (م ۵۴۸) در توضیح اعتقاد این فرقه سه معنا از بداء را بیان می‌کند (شهرستانی، ۱۳۶۴، ۱:۱۷۱):

الف) بداء در علم خداوند: ظهور علم جدید برای خداوند که مخالف علم پیشین او باشد.

ب) بداء در اراده خداوند: ظهور امری برای خداوند که مخالف اراده و حکم پیشین او باشد.

ج) بداء در اوامر و نواهی خداوند: صدور تکلیف جدید از جانب خداوند که مخالف تکلیف پیشین باشد.

شهرستانی یکی از اعتقادات مختار را، جواز انتساب بداء به خداوند و عدم فرق بین نسخ و بداء در این انتساب دانسته است؛ (شهرستانی، ۱۳۶۴، ۱:۱۷۲) ولی ایشان بیان نمی‌کند که کدام یک از این سه معنا یا همه آن‌ها مدنظر مختار در این گزارش بوده است، لذا تعریف آن نزد این فرقه دچار ابهام است. از این رو منابع تاریخی و ملل تنها به ذکر این اعتقاد پرداخته‌اند و معنای آن را حمل بر معنای لغوی بداء کرده‌اند.

فقدان سند گزارش

علاوه بر ابهام در کاربری لغوی یا اصطلاحی لفظ بداء توسط مختار، در تمامی نقل‌ها مشخص نشده که چه اشخاص یا کتاب‌هایی مستند آن قرار گرفته‌اند؟ حتی در برخی از منابع از قول ابی مخنف (م ۱۵۷)، گوینده این قول را به جای مختار، عبدالله

بن نوف دانسته‌اند. (طبری، ۱۹۶۷، ۶: ۱۰۵) به خصوص آنکه استناد به خبر واحد در امور اعتقادی در نظر برخی مردود می‌باشد. (مفید، ۱۴۱۳: ۲۰-۲۷ و رضایی و گوهری بخشایش، ۱۳۹۲، ۵۹: ۷۹-۸۵)

دیدگاه دوم: پیدایش بدا توسط امامیه

امامیه در کاربرد لغوی، مترادف با مذهب شیعه می‌باشد. به کسانی که اعتقاد به انتساب علی بن ابی طالب علیه السلام به وسیله نص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان خلیفه بلافصل بعد از پیامبر دارند، شیعه گفته می‌شود. (شهرستانی، ۱۳۶۴، ۱: ۱۹۱)

امامیه در معنای اصطلاحی، بزرگ‌ترین فرقه مذهب شیعه بوده (فخر رازی: ۵۵) که به امامت منصوص ائمه اثنی عشر علیهم السلام معتقد می‌باشند که بانام‌های شیعه دوازده‌امامی یا جعفریه نیز شناخته می‌شود. پیدایش فرقه‌های مختلف درون پیکره مذهب شیعه، سبب جدا شدن معنای لفظی امامیه (شیعه) از معنای اصطلاحی آن گردید.^۱ امامیه (جعفریه) در زمان امام صادق علیه السلام (م ۱۴۸) به صورت یک مکتب اعتقادی و فقهی شروع به ترسیم اصول و فروع خود کرد و به عنوان یک مکتب رسمیت یافت. (پاکتچی، احمد، ۱۳۸۹، ۱۸: ۳۵۷)

اعتقاد به امامت دوازده امام که اسامی آن‌ها را جابر بن عبدالله انصاری (م ۷۸ ق) از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث معروف به حدیث لوح (صدوق؛ ۱۳۹۵، ۱: ۲۵۰) نقل کرده است، در نزد گروهی سبب طرح بدا به دست امامان شیعه علیهم السلام برای تصحیح انحراف از این خط سیر بوده است. نمودار گشتن این انحراف در دو واقعه در منابع ملل و نحل گزارش شده است (اشعری قمی ۱۳۶۰: ۲۱۱ و ۷۸).

۱. رضا برنجکار در این رابطه می‌نویسند: از این رو در این کتاب (آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی)، همچون سایر کتاب‌های این رشته، منظور از شیعه همین اصطلاح عام است و در مورد شیعه دوازده‌امامی، اصطلاح (امامیه) به کار می‌رود (برنج‌کار، ۱۳۸۵: ۵۵ و خمینی، ۲۰۲۶: ۱۳۹۵).

۱- جریان بداء در مورد اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام به عنوان مهم‌ترین جریان در این انتساب. (صدوق، ۳۳۶: ۱۳۹۸ و اشعری قمی، ۱۳۶۰: ۲۲۰)

۲- جریان بداء درباره محمد بن علی الهادی علیه السلام (م ۲۵۲).

سلیمان بن جریر زیدی رهبر فرقه سلیمانیه (جریریه) از فرق زیدیه، اولین بار- در پی مخالفت با امام صادق علیه السلام (خمینی، ۱۳۹۵، ۲: ۶۶)- بحث بداء را ساخته و پرداخته امامان شیعه برای توجیه مخالفت رویداد خارجی با علم امام دانست. (اشعری قمی، ۱۳۶۰: ۷۸) اسماعیلیه در جریان امامت اسماعیل به اندیشه سلیمان بن جریر اقتدا کرده و اندیشه بداء را مورد انکار قرار دادند. (اشعری قمی، ۱۳۶۰: ۷۹)

در ادوار بعد، درباره جناب محمد فرزند امام هادی علیه السلام (معروف به سبع دجیل یا سید محمد) (اشعری قمی، ۱۳۶۰: ۱۰۹) بار دیگر چرخش امامت از مسیر نص خودش، سبب شد تا اصطلاح بداء توسط امام هادی علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹، ۱: ۳۲۸- ۳۲۹) مطرح شود. (اشعری قمی، ۱۳۶۰: ۱۰۱) این دو جریان در کنار احادیث بسیاری که در بحث بداء از ائمه اطهار علیهم السلام صادر شده است، عوامل انتساب پیدایش اندیشه بداء توسط امامیه می‌باشد.

نقد دلیل انتساب بداء به امامیه

فهم نادرست از تعریف اصطلاحی بداء و همچنین عدم توجه به قرائن و شواهد علم امام در این دو جریان تاریخی باعث پیدایش این پندار، شده است:

فهم نادرست از معنای اصطلاحی بداء

معنای مصطلح بداء نزد امامیه عبارت است از: «آشکار شدن امری از ناحیه خداوند برخلاف آنچه مورد انتظار^۱ بندگان می‌باشد» (صدوق، ۱۳۹۸: ۳۳۵ و اشعری قمی، ۱۳۶۰: ۲۱۱)

۱. با دلایلی که در اینجا مجال طرح آن نیست، مراد از مخالفت امر با «انتظار مردم» که در تعریف آمده است، منظور از «انتظار مردم»، مواردی می‌باشد که ریشه الهی داشته باشد مانند یک خبری که از آینده گزارش شود و یا یک سنت

معنای مصطلح بدا، مورد اتفاق همه فرق و اندیشمندان اسلامی و حتی اهل سنت می‌باشد^۱ که ریشه در قرآن «سوره زمر، ۳۹/۴۷ و سوره رعد ۱۳/۳۹ سوره طه ۲۰/۱۲۹» و سنت نبوی (بخاری، ۱۴۲۲، ۴: ۱۷۱/۴/۳۴۶) دارد. آنچه که باعث شده که امامیه متهم به نسبت دادن جهل به خداوند متعال و به دنبال آن کافر دانستن آن‌ها توسط اهل سنت (بغدادی، ۱۴۰۸، ۵۳) و برخی از گروه‌های دیگر می‌گردد (اشعری قمی، ۱۳۶۰: ۱۰۹)، حمل این لفظ بر معنای لغوی (ظهور) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱: ۱۱۳)، بدون توجه به معنای مصطلح آن است.

امامیه نه تنها به نادرستی نسبت دادن جهل به خدا تصریح می‌کند و آن را نوعی کفر می‌داند (صدوق، ۱۳۵۹، ۱: ۷۰)؛ بلکه معتقد است بدا در معنای مصطلح، نوعی تجلیل و تعظیم خداوند را در بر دارد (خوئی، ۱۴۱۷، ۵: ۳۴۳ - ۳۴۴) و اعتقاد به بدا را هم سنگ اعتقاد به توحید قلمداد می‌کند. (کلینی، ۱۴۲۹، ۱: ۳۵۷)

عدم توجه به قرائن و شواهد علم امام

جایگاه علم غیب در اندیشه بدا نزد امامیه به این نحو توضیح داده شده^۲ که برای خداوند متعال در ارتباط با ملائکه و انبیاء و ائمه علیهم‌السلام دو نوع علم است یک نوع علمی

یا وعده که قرار باشد محقق شود و از طرف خداوند آن تغییر کند به عبارت دیگر باید دو طرف منشأ الهی داشته باشد که بتوان به خداوند نسبت داد. بسیاری از اتفاق‌ها هستند که ما انتظار آن را داریم ولی محقق نمی‌شود.

۱. جناب ابن حجر در شرح حدیث ۳۴۶۴ در کتاب بخاری (إِنَّ ثَلَاثَةَ فِی بَنِي إِسْرَائِيلَ أَبْرَصَ وَ أَفْرَعَ وَ أَعْمَى بَدَأَ لِلَّهِ أَنْ يَنْتَلِيَهُمْ) می‌نویسد: قوله بَدَأَ لِلَّهِ (بتخفيف الدال المهمله بغير همزة) ای سبق فی علم الله فأراد إظهاره و ليس المراد أنه ظهر له بعد أن كان خافياً؛ لأن ذلك محال في حق الله تعالى. ر.ک (ابن حجر، ۱۳۷۹، ۶: ۵۰۲)

۲ اما البداء الذي تقول به الشيعة و الذي هو من اسرار آل محمد حتى ورد في اخبارهم الشريفة انه ما عبد الله بشيء مثل القول بالبدا، فهو عبارة عن اظهار الله جلّ شأنه امرا يرسم في الواح المحو و الاثبات و ربما يطلع عليه بعض الملائكة المقربين في احد الانبياء و المرسلين فيخير الملك به النبي و النبي يخبر به امته ثم يقع بعد ذلك خلافه لانه محاه و اوجد في الخارج غيره و كل ذلك كان يعلم الله حق العلم و لكن في علمه المخزون المصون الذي لم يطلع عليه لا ملك مقرب و لا نبي مرسل و هذا المقام من العلم هو المعبر عنه في القرآن «بام الكتاب» كقوله تعالى «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يَبْسُتْ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» فالبدا في عالم التكوين، كالتنسخ في عالم التشريع. ر.ک: (اشعري قمی، ۱۳۶۰، ۲۱۱).

که خداوند ایشان را از آن علم آگاه می‌کند (علم عام) و یک نوع علم دیگر که فقط نزد خداوند می‌باشد (علم خاص) (صفار، ۱۴۰۴، ۱:۱۰۹) و در مواردی با درخواست خود ایشان (کلینی ۱۴۲۹، ۱: ۶۴۰) از آن باخبر می‌شوند. (صفار، ۱۴۰۴، ۱:۱۱۲) مصادیق علم خاص در روایات امامیه و نزد اندیشمندان (اشعری قمی، ۱۳۶۰: ۲۱۱) مشخص گردیده است که از موارد آن علم به زمان مرگ می‌باشد. (صفار، ۱۴۰۴، ۱:۱۰۹)

از این رو کاربست بداء در دو جریان به دلیل توجیه سیر خطی امامت نبوده تا با طرح این آموزه مورد تصحیح قرار گیرد؛ بلکه با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته (محمودی، ۱۳۹۲، ۱۹: ۱۵۷) در هر دو مقام، امام علم به جانشین بعد از خود داشته و قبل از مرگ جناب اسماعیل و سید محمد نزد برخی خواص اصحاب، از امامت امام کاظم و امام عسکری علیه السلام به‌عنوان جانشین خود نام‌برده‌اند. (کلینی، ۱۴۲۹، ۲: ۶۳/۱ و ۱۱/۱۲۰) شاهد دیگر علم امام، حدیث لوح (صدوق، ۱۳۹۵، ۱: ۲۵۰) و احادیث دیگر (صدوق، ۱۳۹۵، ۲: ۳۷۲/۶) که در بردارنده سیر امامت است، می‌باشد که حداقل روایان این احادیث، امام بعدی را به اسم می‌شناختند.

آنچه در کلام امام مورد بداء قرار گرفته، زمان مرگ جناب اسماعیل و سیدمحمد است که جزء علم خاص بوده و خداوند متعال زمان آن را به‌وسیله مرگ برای امام آشکار کرده است.^۱ (مفید، ۱۴۱۳: ۳۰۹ و اشعری قمی، ۱۳۶۰: ۲۲۰) از طرفی به خاطر عواملی چون اکبر السن بودن اسماعیل و سیدمحمد، توجه و ارتباط عاطفی امام با آن‌ها، اخلاق و رفتار جناب سیدمحمد، عدم یافتن فرزند برای امام حسن عسکری علیه السلام و مخفی نگه‌داشتن جانشین امامت برای حفظ جان و... در ذهن عموم مردم و شیعیان، تصور امامت برای اسماعیل و سیدمحمد ایجاد شده بود که با مرگ آن‌ها، صاحب امر امامت برای مردم از طرف خداوند آشکار گردید. (محمودی، ۱۳۹۲، ۱۹: ۱۵۷)

۱. اَمَّا مَعْنَاهَا مَا رَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَتَبَ الْقَتْلَ عَلَى ابْنِي إِسْمَاعِيلَ مَرَّتَيْنِ فَسَأَلْتُهُ فِيهِ فَرَفَا بَدَأَ لِي فِي شَيْءٍ كَمَا بَدَأَ لِي فِي إِسْمَاعِيلَ، يَعْنِي بِهِ مَا ذَكَرَهُ مِنَ الْقَتْلِ الَّذِي مَكْتُوبًا.

نقد مشترک دو دیدگاه در انتساب بدا

در کنار اشکالاتی که دلایل دو دیدگاه اول و دوم داشت؛ هردوی آنها به علت عدم توجه به کاربست آموزه بدا در قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و صحابه که از لحاظ تاریخی قبل از کیسانیه و امامیه قرار گرفته‌اند؛ مورد اشکال قرار می‌گیرد:

قرآن کریم آموزه بدا را در مواردی نظیر جریان بدا در زمان مرگ انسان «سوره انعام، ۲/۶»، «سوره زمر، ۴۲/۳۹»، «سوره زمر، ۴۷/۳۹»، تغییر در سرنوشت بر اثر افعال اختیاری انسان «سوره اعراف، ۹۶/۷»، «سوره انفال، ۴۳/۸»، «سوره رعد، ۱۱/۱۳» و جریانات قرآنی - تاریخی بدا در اقوام گذشته «سوره یونس، ۹۸/۱۰»، «سوره صافات، ۱۴۳-۱۴۴-۱۰۲-۱۰۷»، «سوره قلم، ۴۹/۶۸»، «سوره مائده، ۲۱/۵ و ۲۶»، «سوره فتح، ۲۷/۲۹» و «سوره اعراف، ۱۴۲/۷»، مطرح نموده است.

آموزه بدا در روایات شیعه و اهل سنت از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بیان گردیده است؛ به‌عنوان نمونه بخاری با نقل از ابوهریره می‌نویسد: «پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «در میان بنی اسرائیل سه نفر به سه بیماری مشخص پیسی و نابینایی و ناشنوایی گرفتار شدند و برای خدا بدا حاصل شد که ایشان را مورد امتحان قرار دهد». (بخاری، ۱۴۲۲، ۴: ۳۴۶۴/۱۷۱)

همچنین هیشمی (م ۸۰۷) در جریان فتح خیبر از عبدالرحمن بن نسطاط نقل می‌کند:

«بعد از آن که مقرر شده بود تمامی یهود خیبر از آنجا خارج شوند، صلحی میان مسلمانان و یهود اتفاق افتاد که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله با بیان اینکه برای خدا و رسولش بدا رخ داد، به یهود اجازه داد که به کشاورزی در خیبر پردازد». (هیشمی، ۱۴۱۴، ۴: ۱۲۳ / ۶۶۰۴ و ۸: ۸)

همچنین در بیاناتی که از صحابه رسول الله ﷺ نقل شده، بحث بداء به‌عنوان یکی از آموزه‌های صدر اسلام مورد استفاده اصحاب قرار گرفته است؛ به‌عنوان نمونه ابن ابی الحاتم الرازی (م ۳۲۷) با سند خود از ابن عباس درباره تفسیر آیه ۴۲ سوره زمر می‌نویسد: «خداوند ابتدا مردم را می‌میراند، اگر برای خدا بداء حاصل شد که روح را بگیرد، آن را گرفته و شخص می‌میرد». (رازی، ۱۴۱۷، ۱۰: ۳۲۵۲ و سیوطی ۱۴۰۴، ۷: ۲۳۰)

دیدگاه سوم: بداء یک سنت الهی در تاریخ

با پذیرش اشکال تاریخچه «پیدایش و انتساب آموزه بداء به کیسانیه و امامیه» که در منابع تاریخی و ملل و نحلل مورد اشاره قرار گرفت؛ درمی‌یابیم که اندیشه بداء از سوی امامیه ابداع نشد بلکه ایشان این آموزه دینی را به‌عنوان یک علم نظام‌مند^۱ که دارای تعریف، موضوع، مسائل، تاریخچه، جایگاه آن با دیگر مفاهیم دینی، حوزه وقوع بداء، بیان فایده^۲ و... سازمان دادند.

مطابق این اندیشه با نگاه به منابع روایی - تاریخی، موارد متعددی در تاریخ بشر از زمان حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام تا حضرت خاتم سَلَّمَ وجود دارد که بیان‌گر تکرار بداء در ادوار مختلف زندگی بشر بوده که آن را به یک سنت الهی تبدیل نموده است. (مجلسی،

۱. حکما و فلاسفه برای ضابطه علم بودن یک آموزه، ۸ محور را مطرح نموده‌اند که به رنوس ثمانیه یا محورهای هشتگانه علم شناخته می‌شود که عبارت است از: ۱. تعریف علم ۲. موضوع علم ۳. فایده علم ۴. مؤلف علم ۵. ابواب و مباحث علم ۶. جایگاه علم در میان دیگر علوم ۷. غرض و مقصود علم ۸. روش‌های تعلیم علم (ر.ک خوانساری، ۱۳۶۳: ۶).

۲. برخی از مسائل این آموزه که مدنظر علماء و پژوهشگران قرار گرفته است از قبیل ذیل می‌باشد؛ چیستی بداء و تبیین اعتقاد به آن؛ تاریخچه بحث بداء؛ وجوه مختلف بداء (بداء در علم، بداء در اراده، بداء در امر، شرایط بداء، منشأ بداء، حوزه وقوع بداء)؛ وقوع بداء در امور مشروط؛ وقوع بداء در علم پیامبران و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام؛ دلایل عقلی بداء؛ بداء و اهل سنت؛ بداء در نظر معتزله؛ بداء در نظر اشاعره؛ ارتباط بداء با علم الهی؛ تبیین اراده الهی؛ فرق بداء با نسخ، فرق بداء با قضا و قدر، رابطه بداء با جبر، رابطه بداء با سنت‌های الهی، رابطه بداء با علم الهی، رابطه بداء با اراده خدا، رابطه بداء با دعا، سنت‌های تغییرناپذیر الهی و بداء، فایده بداء، بداء و روانشناسی و نقش بداء در زندگی و کار و تلاش و...

۱۴۰۴، ۹۳: ۴-۱۳۴/۱-۱۰-۱۵-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۵۰-۶۸) یکی از دلیل‌های این دیدگاه علاوه بر رد دو نظریه گذشته، توجه به گزارش‌های تاریخی قرآن کریم نسبت به تحقق بدا در اقوام گذشته و عصر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد، مواردی مانند:

۱- وقوع بدا در جریان حضرت یونس عَلَيْهِ السَّلَام نسبت به عذاب قوم ایشان که به آن‌ها وعده داده شده بود؛ «سوره یونس، ۹۸/۱۰» و بدا نسبت به مجازات شخص ایشان به سبب ترک رسالت قوم خود. «سوره صافات، ۱۴۳/۳۷-۱۴۴» و «سوره قلم ۴۹/۶۸».

۲- وقوع بدا در جریان امتحان حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام نسبت به قربانی کردن و سربریدن حضرت اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام «سوره صافات ۱۰۲/۳۷-۱۰۷».

۳- وقوع بدا در جریان چهل روز میقات حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام «سوره اعراف ۱۴۲/۷» و چهل سال ممنوعیت بنی اسرائیل از ورود به شهر مقدس «سوره مائده ۵/ ۲۱ و ۲۶».

۴- وقوع بدا در جریان صلح حدیبیه در تحقق فتح مکه در بدو حرکت لشکر اسلام و ختم آن به صلح و بازگشت مسلمانان «سوره فتح ۲۹/۲۷».

مطابق همه این گزارش‌ها آنچه که به وقوع پیوست، مخالف انتظار و پیشگویی‌هایی بود که به مردم داده شد؛ بر این اساس گزارش‌های تاریخی قرآن کریم بیانگر نمونه‌ای برای جریان سنت بدا در تاریخ می‌باشد.

اندیشمندان و متکلمان مکتب امامیه بر گستره کاربرد مفهوم بدا، در تمامی ادوار تاریخ انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَام اتفاق نظر دارند. کلینی به سند صحیح خود از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند: «مَا تَبَّأَ نَبِيٌّ قَطُّ حَتَّى يَقَرَّ لِلَّهِ بِخَمْسِ خِصَالٍ بِالْبَدَاءِ وَالْمَشِيئَةِ وَالسُّجُودِ وَالْعُبُودِيَّةِ وَالطَّاعَةِ» (کلینی، ۱: ۱۴۸ / ۱۳) متکلمان امامیه در کتاب‌های خود، به توضیح آموزه بداء پرداخته و اقرار به آن را شرط رسالت تمامی انبیاء دانسته‌اند. برخی نیز علاوه بر ذکر این حدیث، با ذکر احادیث متفرقه‌ای این گستره اندیشه‌ای بدا را مورد تأکید قرار داده‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۴، ۹۲: ۴)

اولین کاربست این اندیشه در توجه به احادیث تاریخی - کلامی که فریقین مورد گزارش قرار داده‌اند، در زمان حیات حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ نسبت به مقدار عمر ایشان و حضرت داود عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌باشد. (ابن حنبل، ۴: ۱۲۸، ۱۴۱۶ و عیاشی، ۱۳۸۰، ۲: ۲۲۱) در جریان خود برتر بینی قوم یهود، تفکری مبنی بر عدم قدرت خداوند بر ایجاد تغییرات در عالم هستی نزد آن‌ها شکل گرفت که مطابق آیات قرآن کریم «سوره مائده ۶۴/۵» و آموزه‌های امامیه یکی از رسالت‌های اصلی این آموزه در تاریخ یهود، مبارزه با این تفکر و اندیشه‌های مشابه آن بوده است. (عیاشی، ۱۳۸۰، ۱: ۳۳۰) در زمان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در منابع فریقین در پی مقارنت کسوف با وفات ابراهیم (۱۰ هـ ق) فرزند پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ایشان فلسفه بداء را برای مردم بیان کرده و ایشان را امر به نماز آیات فرمودند. (نسائی، بی تا: ۱۷۴)

سیر تاریخی کاربست بداء در توجه به آموزه‌های قرآن کریم و گزارش‌های تاریخی فریقین، نشان‌دهنده حضور این اندیشه به‌عنوان سنت تاریخی، از زمان حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ تا پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد و حتی مطابق برخی احادیث اهل سنت، این سنت در هنگامه قیامت (احمد بن حنبل، ۴۷۷: ۱۴۲۱) و پس از آن نیز جاری می‌شود. (طبری، ۱۴۲۰، ۱۲: ۴۵۵/۱۴۶۹۳)

نتیجه گیری

دیدگاه انتساب بدا به کیسانیه به خاطر فقدان تعریف مصطلح این آموزه نزد آن‌ها و ضعف سند گزارش که حتی در برخی از موارد، فرد دیگری غیر از مختار گوینده آن بود، نمی‌تواند مورد قبول باشد. همچنین انتساب طرح بدا به فرقه امامیه در پی جریان اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام و محمد بن علی الهادی علیه السلام به امامیه نسبت داده شده است نیز به دلیل اشتباه در فهم معنای بدا و توجه نکردن به علم امام، قابل قبول نمی‌باشد. علاوه بر اشکالاتی که به ادله این دو دیدگاه شد، اشکال مشترکی مبنی بر عدم توجه به دلالت‌های قرآنی آن و سابقه کار بست این آموزه در احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله و سخنان صحابه آن حضرت، سبب رد و عدم پذیرش دو دیدگاه گردید. بدا به عنوان یک سنت الهی جاری در ادوار مختلف تاریخ بشریت، دیدگاه سوم را شکل می‌داد که از جمله ادله آن‌ها، گزارش‌های قرآنی - تاریخی بود که چهار نمونه آن مورد اشاره قرار گرفت. در انتها نیز نظر برخی از اندیشمندان در مورد تاریخچه بدا از نظر گذشت و با پرداخت به احادیث فریقین در سه مرحله تاریخی سنت، تاریخی بودن آن مورد تأکید قرار گرفت.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن اعثم کوفی، محمد بن احمد (۱۹۹۱)؛ الفتوح؛ تحقیق علی شیروودی؛ بیروت: دار الاضواء.
۲. ابن الاثیر جزری (۱۳۸۵)، الکامل فی التاریخ؛ بیروت: دار الصادر.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۳۷۹)؛ فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت: دار المعرفه.
۴. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶)؛ مسند الامام احمد بن حنبل، محقق عامر غضبان؛ بیروت: موسسه الرساله.
۵. ابن حنبل، ابوعبدالله احمد؛ (۱۴۲۱) مسند الامام احمد بن حنبل؛ محقق عادل مرشد، بیروت: موسسه رساله.
۶. اشعری قمی، سعد بن عبدالله (۱۳۶۰)؛ المقالات و الفرق؛ تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
۷. امین، سید محسن (۱۹۸۳ م)؛ اعیان الشیعه؛ بیروت: دارالتعارف.
۸. ایزدی، حسین (۱۳۹۱)، مقاله؛ کیسانیه اولین انشعاب در تاریخ تشیع؛ مشهد، نشریه تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، شماره ۴، بهار و تابستان.
۹. بخاری، محمد بن مسلم (۱۴۲۲)؛ صحیح بخاری؛ محقق ظهیر بن ناصر، دار طوق النجاه.
۱۰. بغدادی، عبد القاهر (۱۴۰۸ ق)؛ الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجیه منهم؛ بیروت: دار الجیل.
۱۱. بغدادی، عبد القاهر (۱۹۹۲)؛ الملل و النحل، بیروت: دار المشرق.
۱۲. پاکتچی، احمد (۱۳۸۹ ش)، «جعفر صادق (ع)»، در دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
۱۳. خمینی، حسن (۱۳۹۵)؛ فرهنگ جامع فرق اسلامی، تهران: اطلاعات.
۱۴. خوانساری، محمد، (۱۳۶۳) منطق صوری، تهران: انتشارات آگاه، چاپ ششم.
۱۵. خوئی، ابوالقاسم؛ (۱۴۱۳) معجم الرجال، کاظمین: موسسه الخویی الاسلامیه.

۱۶. خوئی، ابوالقاسم؛ (۱۴۱۷) محاضرات فی اصول الفقه؛ قم: موسسه انصاریان.
۱۷. داماد، میرمحمدباقر (۱۳۷۰)، نبراص الضیاء، تصحیح حامد ناجی اصفهانی، قم: هجرت و میراث مکتوب.
۱۸. رازی، ابن ابی الحاتم (۱۴۱۷)؛ تفسیر ابن ابی الحاتم؛ مکتبه النزار.
۱۹. راغب اصفهانی، ابوالقاسم (۱۴۱۲)؛ المفردات فی الغریب القرآن؛ بیروت: دار القلم.
۲۰. رضایی، غلامرضا و گوهری بخشایش، یحیی (۱۳۹۲)، مقاله؛ اعتبار سنجی خبر واحد در عقاید دینی؛ فصلنامه کلام اسلامی؛ دوره ۲۲ شماره ۸۵ بهار.
۲۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
۲۲. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۶۴)؛ الملل و النحل؛ قم: شریف رضی.
۲۳. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی (۱۳۹۸)؛ التوحید، قم: موسسه نشر اسلامی.
۲۴. صدوق، محمد بن علی (۱۳۵۹)، کمال الدین و تمام النعمه؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ قم: دار الكتاب اسلامی.
۲۵. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴)؛ بصائر الدرجات فی الفضائل آل محمد صلی الله علیهم؛ محقق کوچه باغی، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۶. طبری، محمد بن جریر؛ (۱۴۲۰)، جامع البیان فی التاویل القرآن؛ محقق احمد محمد شاکر، بیروت: موسسه رساله.
۲۷. طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۷)؛ تاریخ الامم و الملوک (تاریخ الطبری)؛ بیروت: دار التراث، چاپ دوم.
۲۸. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن (۱۴۲۵)؛ کتاب الغیبه، تحقیق عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: موسسه معارف الاسلامیه.
۲۹. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰)؛ تفسیر عیاشی، محقق رسول محلاتی؛ تهران: مطبعه العلمیه.
۳۰. فخر رازی، ابو عبدالله محمد (بی تا)؛ اعتقادات فرق المسلمین و المشرکین؛ محقق علی سامی النشار، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۱. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹)؛ رجال الکشی - اختیار معرفه الرجال؛ مشهد: موسسه نشر دانشگاه مشهد.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲)، الکافی؛ تهران: انتشارات اسلامی.

۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹)؛ اصول کافی، قم: دارالحديث.
۳۴. مامقانی، عبدالله، محمدرضا، محی‌الدین (بی‌تا)؛ تنقیح المقال فی علم الرجال، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۳۵. مجلسی، محمدباقر؛ (۱۴۰۴)، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الطهار علیهم‌السلام، بیروت: مؤسسه الوفا.
۳۶. محمودی، سید احمد و طباطبائی، سید مهران (۱۳۹۲)؛ مقاله؛ نقد و بررسی دلایل ظن به امامت سید محمد فرزند امام هادی علیه‌السلام؛ مجله تاریخ اسلام و ایران، پاییز ۱۳۹۲، شماره ۱۹.
۳۷. مدرسی طباطبایی، سید حسین (۱۳۹۶)؛ مکتب در فرایند تکامل، هاشم ایزدپناه، تهران: انتشارات کویر، چاپ دوازدهم.
۳۸. مشکور، محمدجواد؛ (۱۳۷۲) فرهنگ فرق اسلامی؛ مشهد: استان قدس رضوی.
۳۹. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)؛ الفصول المختاره؛ قم: المؤتمر العالمی للشیخ مفید.
۴۰. مفید، محمد بن محمد؛ (۱۴۱۳)، الاختصاص؛ قم: نشر المؤتمر العالمی لالیفیه شیخ المفید.
۴۱. مقریزی، تقی‌الدین (۱۴۲۰)؛ امتاع الاسماع بما للنبی من الاحوال و اموال و الحفده و المتاع، دار الکتب العالمیه.
۴۲. نسائی؛ احمد بن علی (بی‌تا)، المجتبی من السنن (سنن النسائی)، بیت الافکار الدوله؛ اردن.